



مصاحبه

"اراده قوی، صبر و استفاده از فرصت‌ها، عامل موفقیت در صنعت دامپروری"

مصاحبه با دکتر احمد زارع شهنه؛ استاد فیزیولوژی دام و طیور گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه تهران

اشکان غلامی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد تغذیه دام گروه مهندسی علوم دامی، دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ایران

در این شماره از نشریه علمی - ترویجی (حرفه‌ای) دامستیک، به پای صحبت‌های دکتر احمد زارع شهنه، استاد محترم گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه تهران، می‌نشینیم. کسی که مجموعه‌ای از موفقیت‌ها در ابعاد مختلف دانشگاه و صنعت را در کارنامه خود دارد و پیشتر نیز مدیر گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه تهران بوده است.

دکتر احمد زارع شهنه در سال ۱۳۳۹ در تهران چشم به جهان گشود. ایشان دوران تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خود را در شهر تهران بودند و با قبولی در رشته مهندسی علوم دامی دانشگاه شیراز، برای ادامه تحصیل به شیراز رفتند. همچنین مدرک مقطع کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم دامی در دانشگاه تربیت مدرس دریافت کردند. در سال ۱۳۷۰، با کسب پذیرش در رشته فیزیولوژی دام از دانشگاه سیدنی در مقطع دکتری، به همراه خانواده عازم استرالیا شدند و پس از اتمام مقطع دکتری تخصصی، چهار سال بعد به ایران بازگشت و به عنوان استادیار گرایش فیزیولوژی دام در گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه تهران فعالیت خود را آغاز نمود. هم اکنون ایشان استاد تمام و عضو هیئت علمی گرایش فیزیولوژی دام و طیور گروه مهندسی علوم دامی دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران هستند که در طول دوره فعالیت خود راهنمایی و مشاوره تعداد بسیار زیادی از دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی را عهده‌دار بوده‌اند. همچنین دارای تعداد بسیار زیادی مقالات منتشر شده در نشریات، کنفرانس‌ها/همایش‌ها و کنگره‌های معتبر داخلی و بین‌المللی هستند.

در ادامه با این استاد فرهیخته به صحبت می‌نشینیم:

*نویسنده مسئول: gholami.ashkan@ut.ac.ir

بخش: فیزیولوژی دام و طیور دبیر تخصصی: فرزاد غفوری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

فرنس‌دهی: غلامی، ا. "اراده قوی، صبر و استفاده از فرصت‌ها، عامل موفقیت در صنعت دامپروری". مصاحبه با دکتر احمد زارع شهنه؛ استاد فیزیولوژی دام و طیور گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه تهران. علمی-ترویجی (حرفه‌ای) دامستیک، ۱۴۰۰؛ ۳(۲۱): ۵۲-۵۷.



AnimSSAUT

متولد چه سالی و در کدام شهر هستید؟

من در سال ۱۳۳۹ در شهر تهران به دنیا آمدم و در این شهر دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خود را به اتمام رساندم. در دوران دانش‌آموزی، مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌کردم در خیابان آزادی بود که به آن خیابان آینه‌هاور می‌گفتند. آن موقع من یک دانش‌آموز معمولی بودم و موقعیت مدرسه ما به شکلی بود که اطراف آن کلاً زمین‌های کشاورزی بود و در آن زمان، خانه ما در قسمت جنوبی خیابان آزادی قرار داشت.



تصویر ۱- دکتر احمد زارع شحنه- عضو هیئت علمی گروه مهندسی علوم دامی دانشکدگان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران

دوران دانش‌آموزی خود را در چه شهری گذراندید و چگونه دانش‌آموزی بودید؟

در دوران تحصیل دانش‌آموز درس‌خوانی بودم. یاد می‌آید که وقت می‌گذاشتم و مطالعه می‌کردم. هرچند در دوران ابتدایی به دلیل وجود مسافت بین خانه و مدرسه مقداری مشکل داشتم، اما در دوران راهنمایی و دبیرستان می‌توان گفت که دانش‌آموزی متوسط به بالا بودم و اهل درس و مطالعه بودم. بعد از ورود به دانشگاه تغییرات زیادی را در زندگی خود حس کردم، چون در سن ۱۸ سالگی وارد دانشگاه شدم و برای اولین بار بود که تنها سفر می‌کردم. برای اولین بار بود که بلیط می‌خریدم و با اتوبوس از تهران به شیراز رفتم و در خوابگاه دور از خانواده زندگی کردم. در آن دوران یک مقدار استقلال پیدا کردم و باعث شد که بینش من نسبت به مسائل مختلف بازتر شود و با جامعه بیشتر آشنا شوم. در دوره لیسانس که در دانشگاه شیراز تحصیل می‌کردم، از خانواده کمک مالی دریافت می‌کردم و دانشگاه هم تا حدودی کمک می‌کرد و وام و شهریه می‌داد. با همان پولی که داشتیم در خوابگاه زندگی می‌کردیم و غذای رستوران می‌گرفتیم. بعد از گذشت ۲ ترم، به دلیل اتفاقاتی که در آن زمان در دانشگاه‌ها رخ داد -که اصطلاحاً به انقلاب فرهنگی معروف شد- دانشگاه‌های ایران تعطیل شدند. بنابراین دوباره از شیراز به تهران برگشتم.

برای مدت زمانی در تهران کارهای زیادی را تجربه کردم تا این که جذب آموزش و پرورش شدم و در آموزش و پرورش منطقه ۹ تهران مشغول کار شدم و در همین آموزش و پرورش بود که با همسر آشنا شدم و در سال ۱۳۶۲ ازدواج کردم. در صورتی که دانشگاه‌ها تعطیل نمی‌شدند شاید ازدواج من اینقدر زود اتفاق نمی‌افتاد. در سن ۲۳ سالگی در مقطع کارشناسی ازدواج کردم و بعد از این که دانشگاه‌ها باز شدند، به اتفاق همسر در شیراز خانه‌ای اجاره کردیم. شرایط به شکلی بود که در آن زمان هم درس می‌خواندم و هم زندگی را اداره می‌کردم. همسر در آموزش پرورش به عنوان دبیر کار می‌کردند. بعد از مدتی ایشان هم در دانشگاه شیراز شروع به درس خواندن کردند.

در سال ۱۳۵۸ در اولین کنکور بعد از انقلاب شرکت کردم و توانستم رتبه ۱۹۰۰ را کسب کنم، اما در آن زمان ظرفیت دانشگاه‌ها زیاد نبود، به طوری که ظرفیت کل رشته‌های مهم مانند پزشکی، دندان پزشکی، داروسازی و دامپزشکی زیاد نبود و به زحمت شاید به ۱۰۰۰ می‌رسید. شانس قبولی‌ام در آن‌ها پایین بود، اگرچه برخی رشته‌های دامپزشکی را انتخاب کردم ولی قبول نشدم. بعد از رشته‌های دکتری، رشته‌های کارشناسی رشته کشاورزی برای من جذاب بود، به خصوص دانشگاه زنجان که رشته مهندسی کشاورزی را در دفترچه اعلام کرده بود. علی‌رغم این که رشته مهندسی کشاورزی را انتخاب کرده بودم، اما در دانشگاه زنجان قبول نشدم و در یکی دیگر از رشته‌هایی که انتخاب کرده بودم، یعنی در رشته دامپروری دانشگاه شیراز قبول شدم. به خاطر دارم که در آن زمان دانشجویان حق انتخاب ۱۰ رشته را داشتند؛ بنابراین، من در سال ۱۳۵۸ در مقطع کارشناسی وارد دانشگاه شیراز شدم و با تعطیلی که در این دوره اتفاق افتاد، در سال ۱۳۶۵ از دانشگاه فارغ‌التحصیل شدم و همزمان در همان سال در مقطع کارشناسی‌ارشد وارد دانشگاه تربیت مدرس شدم و تا سال ۱۳۶۹ مقطع کارشناسی‌ارشد من طول کشید. آن موقع اولین یا دومین دوره مقطع کارشناسی‌ارشد بود که در ایران برگزار می‌شد. بسیاری از درس‌ها استاد نداشتند و جدید بودند و اساتید از دانشگاه‌های مختلف برای تدریس به دانشگاه تربیت مدرس می‌آمدند و طول دوره تحصیل طولانی بود.

علی‌رغم این که دانشجوی دانشگاه تربیت مدرس بودم، اما این حق را داشتم که استاد خودم را از دانشگاه شیراز انتخاب کنم و لذا آقای دکتر محمد جواد ضمیری را به عنوان استاد راهنمای خود انتخاب کردم و به دلیل این که دانشگاه تربیت مدرس امکانات مزرعه‌ای نداشت، پایان‌نامه مقطع کارشناسی‌ارشد خود را در ایستگاه علوم دامی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز اجرا

ارشد که آن زمان هنوز گرایش تخصصی وجود نداشت، آقای دکتر ضمیری را به عنوان استاد راهنمای پایان نامه خود انتخاب کنم. موضوع پایان نامه روی تولید شیر در گوسفند قزل انجام شد و در همین راستا به دلیل علاقه‌ای که داشتم دکتری خود را در دانشگاه سیدنی در رشته فیزیولوژی ادامه دادم.



تصویر ۳- دکتر احمد زارع شهنه، ایالات متحده آمریکا (اواسط دوره اول ریاست جمهوری اوباما)

نظر شما درباره ادامه تحصیل به ویژه مقطع تحصیلات تکمیلی در خارج از کشور چیست؟ پیشنهاد شما چیست؟

در زمان تحصیل ما تعداد اساتید کشور زیاد نبودند. به خاطر دارم که در سال ۱۳۶۵- اگر اشتباه نکنم- معروفترین استادی که در زمینه اصلاح نژاد در ایران بودند، مرحوم آقای دکتر افتخار شاهرودی استاد دانشگاه فردوسی مشهد بودند. که از ایشان برای تدریس در تهران دعوت می‌کردند. بنابراین در این زمینه تعداد هیئت علمی زیادی نداشتیم. به این دلیل برای ادامه تحصیل تمایل داشتیم که در خارج از کشور درس بخوانیم و بیشتر دوستانی که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفتند، گرایش ژنتیک و اصلاح نژاد دام را انتخاب کردند. در حال حاضر، خوشبختانه تعداد اعضای هیئت علمی در کشور مناسب است و در این رابطه مشکلی نداریم و ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی از این لحاظ هیچ مشکلی ندارد. با توجه به امکانات اینترنت و دریافت مقاله نسبت به قبل بسیار بهتر و راحت تر شده است. در گذشته، انتشار مجلات تخصصی به دلیل این که در زمان جنگ تحمیلی بود، قطع می‌شد و امکان یافتن مقاله بسیار سخت و مشکل بود. اما امروزه در زمان نسبتاً کوتاهی شما می‌توانید در پایگاه داده‌های مختلف جستجو کنید و هر نوع مقاله‌ای را دریافت و مطالعه بفرمایید. بنابراین دسترسی به مقالات در کشورهای مختلف دنیا وجود دارد و دانشجویان علاقمند می‌توانند مقاله‌های مورد نظر خود را دریافت کنند. اما از طرف دیگر، متأسفانه در

کردم. بنابراین برای انجام پایان نامه به شیراز می‌رفتم و در خوابگاه اقامت داشتم. بعد از فارغ التحصیل شدن از مقطع کارشناسی ارشد، در سال ۱۳۶۹ در کنکور دکتری خارج از کشور شرکت کردم و از دانشگاه سیدنی استرالیا پذیرش گرفتم. در سال ۱۳۷۰ به همراه همسر و دو فرزندم عازم استرالیا شدیم. بعد از اتمام دوره چهار ساله، در مرداد ۱۳۷۴ از سیدنی به تهران برگشتم و در گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه تهران به عنوان استادیار گرایش فیزیولوژی دام شروع به کار کردم.



تصویر ۲- دوران دانشجویی دکتر احمد زارع شهنه (نفر اول از سمت راست)، دانشگاه شیراز

آیا شما با علاقه و شناخت وارد رشته مهندسی علوم دامی شده‌اید یا صرفاً به خاطر قبولی در این رشته به تحصیل ادامه داده‌اید؟ و چرا در مقاطع بالاتر گرایش فیزیولوژی را انتخاب کردید؟

واقعیت این است که نه. با علاقه و شناخت وارد رشته علوم دامی نشدم و انتخاب هشتم من در زمان انتخاب رشته بود. زمانی که قبول شدم به دانشگاه شیراز رفتم و کم کم با انتخاب و گذراندن دروس به این رشته علاقه‌مند شدم و اظهار رضایت می‌کردم که در این رشته درس می‌خوانم. در دانشگاه شیراز امکانات مزرعه‌ای و آزمایشگاهی خوبی وجود داشت. این که چرا در مقاطع بالاتر گرایش فیزیولوژی را انتخاب کردم، به این دلیل بود که وقتی وارد دانشگاه شدیم به خصوص دانشگاه شیراز، تعداد اساتید در بخش دامپروری محدود بود و آقای دکتر محمد جواد ضمیری تازه از خارج برگشته بودند و در بخش درس‌ها را تدریس می‌کردند، چون تعداد اساتید محدود بود بسیاری از دروس را به ناچار با آقای دکتر ضمیری بر می‌داشتیم. انتخاب دروسی مانند پرورش گاو، تغذیه، آناتومی و فیزیولوژی و درس فیزیولوژی تولیدمثل با آقای دکتر ضمیری و سخت‌گیری‌هایی که ایشان داشتند، کم کم علاقه ایجاد کرد و به فیزیولوژی علاقمند شدم و همین باعث شد که در کارشناسی

به نظر شما ظرفیت رشته مهندسی علوم دامی تا چه حد اشباع شده است؟

در شرایط فعلی ظرفیت رشته مهندسی علوم دامی از لحاظ کارشناس و ... از نظر اسمی می‌توان گفت که اشباع شده است. به گونه‌ای که تعداد کارشناس، کارشناس‌ارشد و یا حتی دکتری تخصصی نیز در ایران بسیار زیاد شده است. اما به نظر بنده دامداری‌ها و مراکز تولیدی نیاز به افراد کار بلد دارند. بنابراین ما همیشه در کلاس به دانشجویها توصیه می‌کنیم تا زمانی که در دانشگاه حضور دارند، قدر امکاناتی که به آن‌ها دسترسی دارید را بدانید. این مسئله برای همه روشن است که شاید امکانات موجود به روز نیستند، اما باید قدر همین داشته را دانست و با استفاده از آن‌ها تجربه کسب کرد. قطعاً اگر کسی بخواهد در این رشته مشغول به کار شود و مخارج زندگی خود را تأمین کند، باید اطلاعات زیادی داشته باشد و کار بلد باشد. امروزه دیگر صرفاً به داشتن مدرک پول نمی‌دهند. از این جهت من فکر می‌کنم هنوز نیاز به نیروی با تجربه و باسواد داریم.

کمی از استادان دوران تحصیل خود بفرمایید؟

در دوران تحصیل که در دانشگاه شیراز بودم، ما جزء اولین دوره‌هایی بودیم که بعد از انقلاب وارد دانشگاه شدیم. در آن زمان بسیاری از اساتید با سابقه و با تجربه یا بازنشست شده بودند و یا این که پاکسازی شده بودند. ما تعداد محدودی استاد در بخش علوم دامی دانشگاه شیراز داشتیم، از جمله آقای دکتر سفید بخت که پیشکسوت علوم دامی هستند و برای ایشان آرزوی سلامتی دارم. خدا حفظشان کند. ایشان به ما درس پرورش گوسفند را تدریس می‌کردند. آقای دکتر ضمیری هم که تازه از استرالیا برگشته بودند، دروس زیادی را تدریس کردند. فیزیولوژی تولیدمثل، آناتومی و فیزیولوژی، پرورش گاو و تغذیه که با دانشکده دامپزشکی به صورت مشترک ارائه می‌شدند.



تصویر ۵- مجمع عمومی و انتخابات انجمن علوم دامی ایران، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، سال ۱۳۹۷

زمینه پژوهش مشکلات زیادی وجود دارد و امکانات پژوهشی سخت فراهم می‌شود. به عنوان مثال، در زمینه فیزیولوژی بسیاری از داروها و موادی که برای انجام پژوهش مورد نیاز است یا وجود ندارد یا با زحمت بسیار تهیه می‌شوند که در این حالت نیز متأسفانه بیشتر آن‌ها تقلبی هستند. به همین دلیل در زمینه تحصیلات در مقطع دکتری تخصصی مانعی نمی‌بینم که دانشجوی حداقل یک دوره کوتاه مدت فرصت مطالعاتی به خارج از کشور برود تا بتواند یک دوره تحصیلی خوب و مناسب را سپری کند. بنابراین به نظرم تا مقطع کارشناسی‌ارشد در ایران مشکل خاصی وجود ندارد ولی برای مقطع دکتری تخصصی گذاندن حداقل بخشی از دوره را در دانشگاه‌های معتبر خارجی توصیه می‌کنم.



تصویر ۴- دکتر احمد زارع شحنة در کنار یکی از دانشجویان دکتری تخصصی عراقی

با چه چالش‌هایی در حین تحصیل چه در ایران و خارج مواجه شدید؟ و راهکار پیشنهادی شما چیست؟

زمانی که دانشجوی بودم، شاید بزرگ‌ترین و مهم‌ترین چالش آن دوره کم بودن تعداد اساتید، دسترسی اندک به مجلات و مقالات مورد نیاز بود. از این جهت اصلاً قابل تصور نبود که شما هر لحظه بخواهید بتوانید هر مقاله‌ای را پیدا کنید. در خصوص خارج از کشور هم مشکلات داخل کشور را که به آن‌ها اشاره کردم، نداشتیم. استاد راهنما تمام امکانات تحقیق را فراهم می‌کرد و هر زمان ماده شیمیایی یا وسیله‌ای نیاز بود، کافی بود که تماس بگیریم و یا به دفتر گروه اعلام کنیم که معمولاً همان روز یا روز بعد مواد و وسایل مورد نیاز آماده و در دسترس بودند. بنابراین از این جهت مشکلی وجود نداشت. تنها مشکلی که می‌توان به آن اشاره کرد، فقط مشکلات غیر درسی مانند مشکلات مالی بود. چون بورسیه دولت ایران بودیم باید پول را از وزارت علوم دریافت می‌کردیم، که گاهی پول دیر به دستمان می‌رسید و ما با مشکلات مالی مواجه می‌شدیم.

این زمینه فرد موفق باشی و در این شرایط حتماً می‌توانی جایگاه مناسبی هم داشته باشی.

بدترین و بهترین خاطرات دوران کاری و تحصیلی که بخواهید از آن‌ها یاد کنید، کدام‌اند؟

موردی که الان به ذهنم می‌رسد شاید بدترین نباشد، اما وقتی در کنکور کارشناسی در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه شیراز پذیرفته شدم یکی از من سوال پرسید که در دانشگاه شیراز می‌خواهی چه رشته‌ای بخوانی؟ من هم در پاسخ گفتم: دامپروری. گفت مگر چوپانی هم دانشگاه رفتن می‌خواهد؟ و این باعث شد تو ذوق من بخورد و این خاطره در ذهن من بماند و همین موضوع مدتی در ذهنم بود که درس بخوانم و دوباره کنکور بدم و رشته بهتری را انتخاب کنم. به گونه‌ای که به طور دائم در این فکر بودم و تلاش می‌کردم که در سال اول دانشگاه تغییر رشته بدهم. این موارد یعنی که افراد در جامعه سطحی قضاوت می‌کنند و صحبت می‌کنند، چه بسا حرف‌های بدون مطالعه افراد چقدر می‌تواند در سرنوشت افراد دیگر مؤثر باشد. به هر حال همزمان که سعی می‌کردم در سال اول رشته خودم را تغییر دهم، انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها مطرح شد و دیگر تحصیل در این رشته را تا به اکنون ادامه داده‌ام؛ به گونه‌ای که الان استاد تمام و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران هستم. این شاید بدترین خاطره‌ای بود که من در دوران تحصیل با آن درگیر بودم. می‌توان گفت که خاطره خوب هم اخذ پذیرش دکتری برای دانشگاه سیدنی استرالیا بود که خیلی خوشحال شدم. به خاطر دارم که نزدیک ظهر برای خرید نان از خانه خارج شدم که روی پله‌های خانه نامه‌ای افتاده بود. شروع به خواندن نامه کردم و دیدم که خوشبختانه دانشگاه سیدنی استرالیا به من پذیرش داده بود.



تصویر ۷- دکتر احمد زارع شهنه در کنار تعدادی از دانشجویان دکتری تخصصی سابق



تصویر ۶- جلسه دفاع از رساله دانشجوی دکتری تخصصی به همراه مرحوم آقای دکتر حمید کهرام

زمینه‌های شغلی رشته فیزیولوژی را چطور می‌بینید؟

در رابطه با آینده رشته فیزیولوژی دام و جایگاه فعلی آن به نظر من آینده می‌تواند خوب باشد. به شرط این که، تمام کسانی که در این رشته درس خوانند و فعالیت دارند تلاش خود را بیشتر کنند تا بتوانیم به اهدافی که برای این رشته تدوین شده است، برسیم. همان طور که قبلاً اشاره کردم در رابطه با تغذیه دام هم، ۲۵-۲۰ سال پیش هم همین مسائل مطرح بود. اما فعالین رشته تغذیه دام تلاش کردند و جایگاه خود را در صنعت دامپروری کشور به دست آوردند. ما هم به عنوان متخصصین فیزیولوژی دام باید تلاش خود را دو چندان کنیم. تلاش در زمینه‌های مختلف هم علمی و هم در زمینه قانون‌گذاری در مراکز بالادستی. قبول دارم که شرایط برای فارغ‌التحصیلان رشته فیزیولوژی دام نسبت به گرایش‌های دیگر سخت‌تر است و می‌توان گفت که شاید به خاطر همپوشانی‌هایی است که وجود دارد. اما همه این موارد قابل حل هستند، به شرط این که خود اراده داشته باشیم و به هر حال زمان‌بر هم خواهد بود. چیزی نیست که اشاره کنم، فردا یا یک سال دیگر محقق می‌شود؛ بلکه زمان‌بر خواهد بود و نیاز است که این جایگاه رو تعیین کرد.

بزرگ‌ترین شکست‌ها و موفقیت‌های شما در زندگی‌تان چه

بوده است و دلایل آن‌ها را چه می‌دانید؟

در رابطه با بزرگ‌ترین شکست‌ها و موفقیت‌ها، حالا من شکست را نمی‌دانم که بزرگ‌ترین شکستم چه بوده است، اما الان همین جایگاهی که در آن قرار گرفته‌ام را یک نوع موفقیت می‌دانم و برای رسیدن به آن، چیزی جز تلاش و پیگیری‌هایی که خودم انجام داده‌ام، نبوده است و البته شایان ذکر است که شرایط کشور هم به گونه‌ای بود که حمایت‌هایی شد تا ما توانستیم به این مرحله برسیم. می‌دانم که امروزه شرایط سخت است و رقابت بسیار بالایی وجود دارد. ولی اگر انتخاب افراد بر اساس توانایی‌ها و دانش آن‌ها باشد، می‌توان تلاش کرد که در

مهندسی علوم دامی و فیزیولوژی و همچنین در زمینه‌های دیگر هم دارند. به نظر من استاد باید این خصوصیات را داشته باشد.

سخن پایانی نویسنده

اراده قوی، صبر، استفاده از فرصت‌های پیش‌رو و همچنین پشتکار توأم با علاقه، بزرگ‌ترین عامل موفقیت و ایجاد حس رضایت از تصمیم‌های گرفته شده در عرصه‌های مختلف مسیر زندگی هستند. تجربه هم کلامی با جناب آقای دکتر احمد زارع شهنه، یادآور این نکته بود که اگرچه زمان قابل برگشت نیست و در هر مقطع زمانی انسان باید نهایت بهره را از شرایط و امکانات از روی علاقه داشته باشند و همواره محققان و به ویژه دانشجویان رشته علوم دامی می‌توانند با تلاش مضاعف، مسیر زندگی را در راستای علایق خود طی نمایند و خود عامل موفقیت در صنعت دامپروری کشور باشند. در این راستا، انسان می‌تواند الگوهای مختلف اخلاقی و علمی را برای خود انتخاب و با بهره‌مندی از تجربه‌های متفاوت دیگران، همواره برای رقم‌زدن تجربه‌های جدید و لذت‌بخش در زندگی شخصی بکوشد.

با آرزوی ایرانی سربلند!

Publisher Note

Animal Science Students Scientific Association, Campus of Agriculture and Natural Resources at the University of Tehran

Submit Your Manuscript:

https://domesticstj.ut.ac.ir/contacts?_action=loginForm



تصویر ۸- بازدید از کتابخانه کشاورزی ایالات متحده آمریکا به اتفاق اساتید دانشگاه شیراز و دانشگاه صنعتی اصفهان



تصویر ۹- بازدید از گروه علوم دامی یکی از دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا

اولین کسی که بعد از شنیدن نام "استاد" به ذهنتان می‌آید، چه کسی است و دلیل آن چیست؟

البته استاد کلمه خیلی بزرگی است و معانی زیادی پشت آن نهفته است. امروزه از لحاظ آماری تعداد استاد در دانشگاه‌ها زیاد است ولی مقام استادی نیاز به کسب خصوصیات زیادی دارد و به نظر من تنها طی کردن یکسری مراحل اداری و علمی نیست که شخص به مرتبه استادی می‌رسد. سابق بر این در دانشگاه شیراز وقتی که اساتید را می‌دیدیم، واقعاً در منش، رفتار و صحبت کردن و برخورد آن‌ها ما همه آموزش می‌دیدیم. به نظر من استاد کسی است که از هر نظر باید فردی پخته باشد. علی‌رغم اینکه باید از نظر علمی با سواد باشد، از لحاظ رفتاری و برخورد نیز باید فردی آگاه و با مرام باشد. من کلمه "استاد" را که می‌شنوم یاد دانشگاه شیراز و اساتیدی که آنجا داشتم می‌افتم، بخصوص آقای دکتر ضمیری. به راستی که از اساتید دانشگاه شیراز من موارد بسیار زیادی را یاد گرفتم. چند سال پیش سفری به خارج از کشور داشتم که در این سفر آقای دکتر ضمیری هم همراه ما بودند و افتخار همراهی ایشان را داشتیم. ایشان با این که الان بازنشسته هستند، اما با همان علاقه قبلی، هنوز هم دنبال یادگیری هستند. اطلاعات و دانش زیادی در زمینه رشته